

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

حجیت اجماع

از منظر امام خمینی (ره) و شهید صدر (ره)

استاد راهنما:

دکتر عبدالله امیدی فرد

نگارنده:

صابر نوش آبادی

زمستان/۱۳۹۳

حمد و سپاس خدایی را که لطف و محبت و هدایتش را هیچ مانعی باز نمی‌دارد.

تقدیم به:

محضر مقدس عزیزان عالم وجود، ائمه اطهار علیهم السّلام، آن نورهایی که با آمدنشان از عرش به فرش بر خاکیان منت نهادند و بالخصوص سرّ مکنون الهی، آن عزیز منتظر، آن طیب درد آشنا، آن طلایه دار ملکوت الهی «صاحب العصر و الزمان» بقیة الله الاعظم (ارواحنا له الفداء).

تشکر و قدردانی

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد فرهیخته و فرزانه جناب حجة الاسلام **دکتر امیدی فرد** که در کمال سعه صدر و حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در نگارش این رساله بر من دریغ نکردند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند، همچنین از همه **دوستانی** که صمیمانه و مشفقانه با مشاوره‌های خود مرا در انجام این رساله یاری رساندند تقدیر و تشکر نمایم.

چکیده

اجماع به عنوان یکی از منابع چهارگانه اثبات احکام شرعی مورد پذیرش قرار گرفته است. اما در عین حال از حیث مبنای حجیت اجماع، میان فقهای شیعه و اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. در این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی و با استناد به منابع اصولی و اقوال فقها، مفهوم اجماع و مبنای حجیت آن نزد فقهای شیعه بالخصوص آیت الله شهید صدر(ره) و مرحوم امام خمینی(ره) را بررسی نموده‌ایم. ابتدا اهل سنت اجماع را به عنوان یک دلیل مستقل در عرض کتاب، سنت و عقل داده اما فقهای شیعه اگر چه به خاطر مماشات با اهل سنت اجماع را به عنوان یکی از ادله اربعه قرار داده‌اند اما معتقدند اجماع تنها در صورتی حجیت است که کاشف از رأی و نظر امام معصوم علیه‌السلام باشد. سپس فقهای شیعه راه‌های احراز رأی معصوم علیه‌السلام از طریق اجماع را مطرح می‌کنند و به مبنای حجیت اجماع می‌پردازند. عده‌ای از متقدمین قائل به طریقه دخولی با فرض دخول امام(ع) در بین مجمعین به عنوان فرد ناشناس، شیخ طوسی(ره) و پیروان او قائل به طریقه لطفی، گروهی از متأخرین قائل به طریقه حدسی شده و برخی نیز طریقه تشریفی را مطرح کرده‌اند. شهید صدر(ره) و امام خمینی(ره)، هر دو طریقه حدسی را پذیرفته‌اند. شهید صدر(ره) معتقد است همان گونه که تعدد خبردادن-های حسنی به حساب احتمالات منجر به رشد احتمال مطابقت و ضعیف شدن احتمال مخالفت می‌گردد نظیر همین حالت در خبردادن‌های حدسی نیز وجود دارد. لذا در جایی که تعداد فتاوا به اندازه‌ای برسد که موجب ضعیف شدن احتمال خطا در حق همه فتوا دهندگان گردد، یقین حاصل می‌شود که حکم شارع مطابق با کلمات مجمعین است. امام خمینی(ره) معتقد است بین اتفاق نظر فقها و نظر امام معصوم(ع) ملازمه عادی وجود دارد. بدین بیان که اگر همه فقهای ما در همه اعصار به حکمی متفق بودند عادتاً معلوم می‌شود که این حکم را در اصل از امام معصوم(ع) اخذ کرده‌اند.

واژگان کلیدی: اجماع، حجیت اجماع، امام خمینی(ره)، شهید صدر(ره)

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه

- ۱- بیان مسأله..... ۱
- ۲- سؤالات تحقیق..... ۲
- ۳- فرضیه های تحقیق..... ۲
- ۴- ضرورت موضوع..... ۲
- ۵- اهداف تحقیق..... ۳
- ۶- پیشینه تحقیق..... ۳
- ۷- روش تحقیق..... ۳

فصل ۱ : کلیات

- ۱-۱- شرح واژگان..... ۶
- ۱-۱-۱- حجّت..... ۶
- ۱-۱-۱-۱- معنای حجّت..... ۶
- ۱-۱-۱-۱-۱- حجّت در لغت..... ۶
- ۱-۱-۱-۱-۲- حجّت در منطق..... ۷
- ۱-۱-۱-۱-۳- حجّت در اصول فقه..... ۷
- ۱-۱-۲- اجماع..... ۸
- ۱-۱-۲-۱- تعریف لغوی اجماع..... ۸
- ۱-۱-۲-۱-۱- تعریف اصطلاحی اجماع..... ۹
- ۱-۱-۲-۲-۱- وجوه تمایز تعاریف اصطلاحی اجماع..... ۱۱
- ۱-۱-۲-۳-۱- واژگان مرتبط با «اجماع»..... ۱۲
- ۱-۱-۲-۴-۱- اقسام اجماع..... ۱۳
- ۱-۱-۲-۴-۱-۱- تقسیم اجماع از حیث راه های تکوین و وجود اجماع..... ۱۳
- ۱-۱-۲-۴-۲-۱-۱- اجماع سکوتی و اجماع صریح..... ۱۳
- ۱-۱-۲-۴-۳-۱-۱- اجماع قولی و اجماع فعلی..... ۱۴
- ۱-۱-۲-۴-۳-۱-۱-۱- اقسام اجماع به اعتبار طرق تحصیل..... ۱۵

- ۱-۱-۲-۴-۲-۱-۱- اجماع محصل و اجماع منقول ۱۵
- ۱-۱-۲-۴-۳-۱-۱- اقسام اجماع از حیث ترکیب و بساطت ۱۷
- ۱-۱-۲-۴-۱-۳-۱-۱- اجماع مرکب و اجماع بسیط ۱۷
- ۱-۱-۲-۴-۴-۱-۱- تقسیمات اجماع از حیث کشف از قول معصوم (ع) ۱۸
- ۱-۱-۲-۴-۴-۱-۱- اجماع دخولی ۱۸
- ۱-۱-۲-۴-۲-۴-۱-۱- اجماع لطفی ۱۹
- ۱-۱-۲-۴-۴-۳-۱-۱- اجماع حدسی ۱۹
- ۱-۱-۲-۴-۴-۴-۱-۱- اجماع تقریری ۱۹
- ۱-۱-۲-۴-۴-۴-۱-۱- تفاوت میان اجماع تقریری و اجماع لطفی ۲۰
- ۱-۱-۲-۴-۴-۵-۱-۱- اجماع تشریفی ۲۰
- ۱-۱-۲-۴-۴-۶-۱-۱- اجماع تقیّه ای ۲۱
- ۱-۱-۲-۴-۴-۷-۱-۱- اجماع کشفی ۲۲
- ۱-۱-۲-۴-۵-۱-۱- اجماع مدرکی و تعبّدی ۲۲
- ۱-۱-۲-۵-۱-۱- خاستگاه اجماع در اندیشه اصولی و فقهی ۲۳
- ۱-۱-۲-۵-۱-۱- اجماع و ارتباط آن با مسأله خلافت ۲۴
- ۱-۱-۲-۵-۲-۱-۱- اولین ادّعی اجماع ۲۵
- ۱-۱-۲-۵-۳-۱-۱- سرّ قرار دادن اجماع در ردیف ادلّه اربعه ۲۷
- ۱-۲-۱- فلسفه پرداختن به نظرات شهید صدر(ره) و امام خمینی(ره) ۲۸
- ۱-۲-۱- نگاهی گذرا به حیات علمی شهید آیت الله سیّد محمدباقر صدر(ره) ۲۹
- ۱-۱-۲-۱- جامعیت و تنوع رشته ها ۲۹
- ۱-۲-۱-۲- ویژگی های شهید صدر(ره) در اصول ۳۰
- ۱-۲-۱-۳- شاخصه های مکتب اصولی شهید صدر(ره) ۳۲
- ۱-۲-۲-۱- نگاهی به حیات علمی آیت الله العظمی امام سید روح الله خمینی(ره) ۳۲
- ۱-۲-۲-۱- جامعیت علمی ۳۳
- ۱-۲-۲-۲- امام خمینی(ره) و علم اصول ۳۳
- ۱-۲-۲-۳- ویژگی های اندیشه اصولی امام خمینی(ره) ۳۵

فصل ۲: بررسی حجیت اجماع

- ۱-۲-۱- بررسی حجیت اجماع از دیدگاه امامیه ۳۸

- ۳۹..... ۱-۱-۲- ملاک حجیت اجماع در کلام فقهای امامیه
- ۴۰..... ۲-۱-۲- راه های احراز رأی معصوم
- ۴۱..... ۱-۲-۱-۲- طریقه دخولی (تضمینی) یا حسنی
- ۴۳..... ۱-۱-۲-۱-۲- بررسی حجیت اجماع دخولی
- ۴۴..... ۲-۱-۲-۱-۲- راه های به دست آوردن نظر امام(ع) از طریق اجماع دخولی
- ۴۴..... ۳-۱-۲-۱-۲- شرط تحقق اجماع دخولی
- ۴۵..... ۴-۱-۲-۱-۲- ویژگی های طریقه دخولی
- ۴۶..... ۵-۱-۲-۱-۲- نقد طریقه دخولی
- ۵۲..... ۲-۲-۱-۲- کشف از قول معصوم(ع) بر اساس عقل عملی
- ۵۲..... ۱-۲-۲-۱-۲- اجماع لطفی
- ۵۴..... ۱-۱-۲-۲-۱-۲- صورتهای مختلف تطبیق قاعده لطف بر مساله اجماع
- ۵۴..... ۱-۱-۱-۲-۲-۱-۲- وجوب لطف به وسیله حفظ مصلحت ها
- ۵۴..... ۲-۱-۱-۲-۲-۱-۲- جریان عادت خداوند بر حفظ مصالح
- ۵۵..... ۳-۱-۱-۲-۲-۱-۲- وجوب لطف با پر کردن شکاف های موجود در دین
- ۵۵..... ۲-۱-۲-۲-۱-۲- ویژگی های اجماع لطفی
- ۵۶..... ۳-۱-۲-۲-۱-۲- نقد اجماع لطفی
- ۶۱..... ۳-۲-۱-۲- کشف از قول معصوم بر اساس عقل نظری
- ۶۲..... ۴-۲-۱-۲- اجماع حدسی
- ۶۳..... ۱-۴-۲-۱-۲- خصوصیات طریقه حدسی
- ۶۴..... ۲-۴-۲-۱-۲- تفاوت اجماع حدسی با اجماع دخولی و لطفی
- ۶۵..... ۳-۴-۲-۱-۲- حساب احتمالات
- ۶۵..... ۱-۳-۴-۲-۱-۲- نظریه شهید صدر(ره)
- ۶۵..... ۱-۱-۳-۴-۲-۱-۲- مبانی منطقی استقراء
- ۶۶..... ۱-۱-۱-۳-۴-۲-۱-۲- تعریف استقراء و تبیین آن
- ۶۷..... ۱-۱-۱-۳-۴-۲-۱-۲- راه حل عقل گرایان
- ۶۸..... ۲-۱-۱-۳-۴-۲-۱-۲- راه حل های مکتب تجربه گرایی
- ۷۱..... ۳-۱-۱-۳-۴-۲-۱-۲- مکتب ذاتی، ابداع شهید صدر(ع)
- ۷۴..... ۲-۳-۴-۲-۱-۲- مبنای حجیت اجماع از نظر شهید صدر(ره)
- ۷۹..... ۳-۳-۴-۲-۱-۲- نقد نظریه حساب احتمالات

۸۰.....	۲-۱-۲-۴-۴-۴- ملازمه عادیه بین آراء مرؤوسین و رئیس آنان
۸۱.....	۲-۱-۲-۴-۴-۱- کشف از قول معصوم بر اساس ملازمه عادیه
۸۱.....	۲-۱-۲-۴-۴-۲- نقد نظریه ملازمه عادیه
۸۳.....	۲-۱-۲-۴-۵- کشف از دلیل معتبر نزد مجمعیین
۸۴.....	۲-۱-۲-۴-۵-۱- نقد طریقه کشف از دلیل معتبر نزد مجمعیین
۸۵.....	۲-۱-۲-۴-۶- نظریه امام خمینی (ره)
۸۸.....	۲-۱-۲-۴-۷- نقد طریقه حدسی
۸۹.....	۲-۱-۲-۵- اجماع تشریفی
۹۰.....	۲-۱-۲-۵-۱- نقد اجماع تشریفی
۹۲.....	نتیجه گیری
۹۷.....	ضمائم
۹۹.....	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

۱- بیان مسأله

در فقه شیعه، اجماع از جایگاه والایی برخوردار است، به گونه‌ای که در ردیف کتاب و سنت و عقل، یکی از دلایل چهارگانه اثبات احکام شرعی محسوب می‌شود. اما اجماعی که نزد شیعه معتبر است با اجماعی که نزد اهل سنت از آن نام برده می‌شود تفاوت داشته و در واقع یکی از طرق اثبات سنت [به معنای فعل و قول و تقریر معصوم(ع)] محسوب می‌شود. آنچه در شیعه مورد بحث قرار گرفته بیشتر به مبانی و پیامدهای اجماع ارتباط دارد به گونه‌ای که برخی مبانی مشروعیت اجماع را بر اساس حدس و برخی بر اساس حس حجت می‌دانند.

این بحث یک خصوصیت متمایزی از دیگر بحث‌های اصولی دارد. در سایر مسائل علم اصول بحث از تعیین حجیت است و بعد از اثبات حجیت در موردی به نحو قطعی علم به حکم شرعی پیش نمی‌آید، بلکه در نهایت حجت و معذرت را اثبات می‌کند. به عنوان مثال دلیل قطعی بر حجیت خبر واحد اقامه می‌شود لکن با حجیت خبر واحد علم به حکم شرعی حاصل نمی‌شود اما از نظر شهید صدر(ره) در بحث اجماع این گونه نیست و حجیت بحث اجماع مساوی با قطع است. یعنی اگر حجیت اجماع ثابت شود علم به حکم شرعی پیش می‌آید.^۱ لذا اگر اصولی بتواند اثبات کند که اجماع کاشف از قول معصوم است و باعث علم به حکم شرعی است اجماع حجت خواهد بود اما اگر نتواند، اجماع حجیتی نخواهد داشت.

^۱ سید محمدباقر صدر، *دروس فی علم الأصول*، چاپ پنجم، (قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق)، ج ۱، ص ۲۷۳؛ سید محمدباقر صدر، *بحوث فی علم الأصول*، چاپ سوم، (قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۱۷ق)، ج ۴، ص ۳۱۳.

به علاوه از آنجا که نوع نگاه فقها به مبانی اجماع منجر به اختلاف در دیدگاهها و پیامدها می‌شود، در این رساله در صددیم که دیدگاه مرحوم امام خمینی(ره) را در این خصوص با نظر شهید آیت‌الله صدر(ره) مورد کنکاش قرار دهیم.

در این نوشتار ناگزیر باید در یک فصل به تبیین اصطلاحات علمی مرتبط پرداخته می‌شد تا مبانی مورد توجه رساله روشن گردد و در فصل دیگر مبانی حجیت اجماع از منظر دو فقیه مذکور با تأمل و گذری بر سایر نظرات مطرح در این موضوع پرداخته شده است. در پایان پس از تبیین موضوع، به نتیجه کار و تحقیق دست خواهیم یافت.

۲- سؤالات تحقیق

۱. مبانی حجیت اجماع نزد امام خمینی(ره) چیست؟
۲. شهید صدر(ره) اجماع را از چه باب حجّت می‌داند؟
۳. نقاط اشتراک و افتراق این دو شخصیت در باب اجماع کدام است؟

۳- فرضیه های تحقیق

۱. امام خمینی(ره) اجماع را از باب حدس حجّت می‌داند.
۲. شهید صدر(ره) از باب حدس و از طریق حساب احتمالات اجماع را حجّت می‌داند بر خلاف نظر مشهور.
۳. دیدگاه امام خمینی(ره) و شهید صدر(ره) به صورت کلی نزدیک به هم بوده و اختلاف ایشان در نحوه بیان مسأله و شیوه استدلال است.

۴- ضرورت موضوع

تأثیر مکتب فقهی امام خمینی(ره) و شهید صدر(ره) در تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر و به خصوص با استقرار حکومت و حل بسیاری از معضلات با رویکرد حکومتی، بررسی مبانی اصولی این دو فقیه بزرگ را ضروری ساخته است. چه بسا که برخی فتاوا و احکام را بر

خلاف اجماع فقهای سلف تحلیل کنند. از این رو تحقیق علمی در خصوص مبانی و رویکردهای اصولی آنان را در چارچوب متد علمی رایج حوزوی ضروری ساخته است.

۵- اهداف تحقیق

این نوع تحقیقات به صورت مبنایی در مراکز تحقیقی آموزشی اعم از حوزه و دانشگاه تأثیرگذار است و طبیعی است که تحقیق در مورد مبانی، می‌تواند نتیجه خود را در بسیاری از احکام فقهی و حقوقی که مبتنی بر مبانی فقهی شکل گرفته‌اند به جا بگذارد. لذا کاربرد این تحقیق را در نظام قانونگذاری کشور هم می‌توان با توجه به اصل ۴ قانون اساسی که ضرورتاً همه احکام و مقررات را مبتنی بر شریعت مقدّس اسلام تأکید کرده است مشاهده کرد.

۶- پیشینه تحقیق

بحث اجماع به عنوان یکی از ادله استنباط احکام شرعی در غالب کتب اصولی شیعه [به عنوان دلیلی کاشف از رأی معصوم(ع)] و در کتب اصولی اهل سنت [به عنوان دلیل مستقل] مطرح شده است. با مذاقه در آثار و نگرش‌های موجود در مواضع موافق یا مخالف، علی‌رغم وجود تألیفات قابل اعتنا در زمینه بررسی حجّیت اجماع، وجود رساله‌ها (مانند پایان نامه «حجّیت اجماع در فقه اسلامی»، «حجّیت اجماع و بررسی آراء فریقین») و چند مقاله (به عنوان مثال: مقالات «اجماع در اندیشه شیعی»، «اجماع در نگاه فریقین» و...) نگرشی به این مسأله با تأکید بر نظرات امام خمینی(ره) و شهید صدر(ره) به صورت جداگانه یا تطبیق نظر این دو فقیه در هیچ کتاب و یا رساله‌ای یافت نشد.

۷- روش تحقیق

روش کار در این پژوهش به نحو کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع دست اول و معتبر اصولی است، مطالب نیز به شیوه تحلیلی - توصیفی می‌باشد. در بررسی توصیفی، هدف صرفاً

گردآوری و کسب اطلاعاتی درباره‌ی موضوع موردتحقیق است و در بررسی تحلیلی، بین اطلاعات گردآوری شده، مقایسه‌هایی صورت می‌گیرد.

فصل ۱ : کلیات

۱-۱- شرح واژگان

۱-۱-۱- حجّت

۱-۱-۱-۱- معنای حجّت

حجّت دارای چهار معناست، یک معنا در لغت، دو معنا در اصطلاح منطق و یک معنا در اصطلاح اصولیین.

۱-۱-۱-۱-۱- حجّت در لغت

حجّت، در لغت به معنای دلیل و برهان^۱ و چیزی که دعوا بدان ثابت شود^۲ آمده است. همچنین گفته‌اند حجّت بیانگر صحت ادعای یکی از طرفین منازعه^۳ و یا ایراد سخن بر وجهی است که به هنگام خصومت با آن پیروزی حاصل می‌شود^۴.
طریحی می‌گوید: «الْحُجَّةُ - بضمّ الحاء - الإِسْمُ مِنَ الْإِحْتِجَاجِ»^۵ در واقع حجّت عبارت است از هر آنچه که صلاحیت دارد در استدلال بر ضدّ خصم به آن تمسک و به وسیله آن علیه دیگری احتجاج شود. پس هر آن چیزی که سبب غلبه و پیروزی بر خصم گردد، در لغت «حجّت» نامیده می‌شود.

در عرف هر چیزی که قابلیت داشته باشد به وسیله آن بر دیگران احتجاج شود، دارای حجّیت است، چه مولا با آن، بر بنده خود احتجاج کند و چه به عکس. لازمه حجّیت

^۱ ابراهیم انیس و دیگران، معجم الوسیط، چاپ دوم، (تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶ش)، ذیل ماده حج؛ مرتضی زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، چاپ اول، (بیروت، دارالفکر، بی‌تا)، ج ۳، ص ۳۱۶.

^۲ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، چاپ اول، (تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش)، ج ۵، ص ۷۶۶۲.

^۳ حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، (بیروت، دارالقلم، بی‌تا)، ص ۲۱۹.

^۴ محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، چاپ اول، (بیروت، دار احیاء التراث العربی)، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۱.

^۵ طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، (تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش)، ج ۲، ص ۲۸۶.

یک دلیل، منجزیت و معذرت آن است؛ یعنی در جایی که دلیل، به واقع اصابت کند، تکلیف بر مکلف منجز شده و مخالفت با آن، مستوجب عقوبت است؛ اما در جایی که حجّت، به واقع اصابت نکند، تمسک به حجّیت برای مکلف، عذر محسوب شده و او را از عقاب می‌رهاند.

۱-۱-۱-۱-۲- حجّت در منطق

حجّت در منطق به دو معنا به کار رفته است^۱:

۱. مجموع قضایای معلوم و مرتبوی که به منظور رسیدن به نتیجه مطلوب، با نظم و چینش خاصی در کنار هم گذاشته می‌شود، مانند: «العالم متغیّر، و کلّ متغیّر حادث، فالعالم حادث.» به بیان دیگر، حجّت عبارت است از آن دسته از معلومات تصدیقی که ذهن انسان آنها را به کار می‌گیرد تا به کمک آنها به یک مجهول تصدیقی دست یابد و فرقی نمی‌کند که در قالب قیاس باشد یا استقراء و یا تمثیل.
۲. حجّت به معنای حدّ وسط در قیاس منطقی است؛ برای نمونه، در مثال بالا کلمه «متغیّر» حدّ وسط و علّت اثبات اکبر برای اصغر است.

۱-۱-۱-۱-۳- حجّت در اصول فقه

معنای حجّت نزد اصولیین - بنا بر آنچه از تتبع در کاربردهای آن به دست می‌آید - عبارت است از: «هر چیزی که متعلّقش را اثبات کند و به درجه قطع نرسد»؛ یعنی موجب حصول قطع به متعلّق خود نشود، و اگر قطع‌آور باشد، همان قطع حجّت خواهد بود، لکن حجّت به معنای لغوی آن، به بیانی دیگر: «هر چیزی است که کاشف و حاکی از چیز دیگری باشد به گونه‌ای که آن را اثبات کند.» و مقصود از «اثبات آن» این است که اثباتش برحسب جعل شارع باشد نه برحسب ذاتش، و معنای «به گونه‌ای که آن را اثبات کند» آن است که حجّت حکم فعلی را در حقّ مکلف به عنوان اینکه همان حکم واقعی است، اثبات می‌کند. و این در صورتی درست می‌آید و آن را اثبات می‌کند که دلیل بر معتبر بودن و حجّت بودن آن شیء

^۱ ر.ک: ملاعبدهالله یزدی، الحاشیة علی تهذیب المنطق، چاپ سیزدهم، (قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۷ق)، ص ۸۶.

کاشف و حاکی، از سوی شارع به آن ضمیمه شود.^۱

پس از آشنایی با معانی چهارگانه «حجّت»، مقصود و مراد ما از این واژه در عبارت «حجّیت اجماع» همان معنای اصطلاحی اصولی است، زیرا در کبرای قیاس استنباط قرار می‌گیرد.

۱-۱-۲-۱-۱ اجماع

۱-۱-۲-۱-۱-۱ تعریف لغوی اجماع

اجماع در لغت دو معنای ذیل را دارد:

الف - اتفاق، گرد آمدن، جمع کردن؛^۲ طریحی می‌گوید: «و هو (اجماع) فی اللغة الاتّفاق»^۳: اجماع در لغت به معنای اتفاق است. ابن فارس می‌نویسد: «الجیم و المیم و العین أصل واحد، يدلُّ علی تَصَامُّ الشَّيْءِ»^۴؛ جیم و میم و عین یک اصل است که بر ضمیمه نمودن و پیوند و پیوستن شیء دلالت می‌کند.

ب - عزم،^۵ دل نهادن و تصمیم بر انجام کاری؛ «جَمَعَ امره و أَجْمَعَهُ و أَجْمَعَ عَلَيْهِ: عزم علیه»^۶ کارش را جمع کرد و بر آن اجماع کرد؛ یعنی بر آن عزم کرد. «یقال: أَجْمَعَ امرک و لا تدعه منتشرأ»^۷ گفته می‌شود کارت را گردآوری کن و نگذار پراکنده شود.

در آیات قرآن، روایات معصومین(ع) و محاورات عرب نیز اجماع به معنای «عزم» به کار

رفته است که چند نمونه ذکر می‌شود:

۱. «وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ»^۸؛ عزم کردند که یوسف را درون چاه افکنند.

^۱ محمدرضا مظفر، اصول الفقه، چاپ ششم، (قم، بوستان کتاب، ۱۴۳۰ق)، ص ۳۷۰.

^۲ محمد معین، فرهنگ فارسی معین، چاپ چهارم، (تهران، اشجع - میکائیل، ۱۳۸۸ش)، ص ۷۴.

^۳ طریحی، همان، ج ۴، ص ۳۱۷، ماده جمع.

^۴ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، چاپ اول، (قم، مکتب الاعلام الاسلامی، بی‌تا)، ج ۱، ص ۴۷۹.

^۵ در «لغت‌نامه دهخدا» هر دو معنا ذکر شده است: دهخدا، همان، ج ۱، ص ۸۸۹.

^۶ محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، (بیروت، دار صادر، بی‌تا)، ج ۸، ص ۵۳.

^۷ همان.

^۸ سوره یوسف، آیه ۱۵.

۲. « مَنْ لَمْ يُجْمَعِ الصِّيَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَلَا صِيَامَ لَهُ »؛ هر کس از شب عزم روزه نداشته باشد، روزه‌اش درست نیست. «لَا يَكُونُ الْإِتِمَامُ إِلَّا أَنْ يُجْمَعَ عَلَى إِقَامَةِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ»؛ نماز مسافر تمام نیست، مگر آن که عزم و نیت اقامه ده روز داشته باشد.

۳. لَمَّا أُجْمِعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى مَنَعَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَ...؛^۳ چون که ابوبکر عزم و تصمیم گرفت که فاطمه (س) را از تصرف در فدک منع کند...

با نظر به آنچه در کتب لغت آمده، شاید بتوان گفت در اجماع که به معنای عزم و اراده است، نوعی آمادگی، تفکر و تدبیر جهت دستیابی به هدف مورد نظر لحاظ شده است. راغب می‌گوید: باب افعال این واژه، مثل - أَجْمَعْتُ كَذَا - بیشتر از ثلاثی مجرد آن به امور فکری و نفسانی مربوط می‌شود.^۴ مانند آیه شریفه «...فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَ شُرَكَاءَكُمْ...»^۵: فکر خود و قدرت معبودهایتان را جمع کنید.

در اطلاق اجماع بر هر یک از معانی عزم، اتفاق، احکام، اطباق و ضم، اختلاف شده که آیا به نحو حقیقت است، خواه از باب مشترک لفظی و یا معنوی؟ یا در بعضی حقیقت و در بقیه مجاز است؟ در این زمینه بحث‌هایی مطرح شده که نیاز و فایده مهمی در طرح و بررسی شان به نظر نمی‌رسد، ولی شاید بتوان ادعا کرد که این ماده (جیم و میم و عین) یک معنای اصلی بیشتر ندارد که همان ضم یعنی پیوست دادن و گرد آوردن است و مابقی معانی از مصادیق و لوازم آن به شمار می‌آیند. کلام ابن فارس که پیش از این ذکر شد شاهد این مدعا است: «الجیم و المیم و العین أصلٌ واحد، يدلُّ على تَضَامٍ الشَّيْءِ»^۶

۱-۲-۲- تعریف اصطلاحی اجماع

میرزای قمی از فقهای بزرگ شیعه در کتاب «قوانین الاصول» اجماع را چنین تعریف می‌-

^۱ احمد بین محمد فیومی، المصباح المنیر، چاپ دوم، (قم، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۱۴ق)، ج ۲، ص ۱۰۹.

^۲ طریحی، همان، ص ۳۱۴.

^۳ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، چاپ دوم، (بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق)، ج ۲۹، ص ۲۲۰.

^۴ راغب اصفهانی، همان، ص ۳۱۷، ماده جمع.

^۵ سوره یونس، آیه ۷۱.

^۶ احمد بن فارس، همان.

کند: اجماع عبارت است از اتفاق جماعتی از مجتهدین امت بر امری از امور دینی که اتفاق آنها کاشف از رأی معصوم باشد.^۱ عناصر این تعریف عبارت است از:

۱. اتفاق؛

۲. اتفاق جماعتی از مجتهدین؛

۳. اتفاقی که کاشف از رأی معصوم باشد؛

۴. اتفاق بر مسأله دینی؛

در واقع اجماع، اتفاقی است که می‌تواند حکم شرعی معینی را اثبات کند. تمام تعاریفی که فقهای شیعه برای اجماع ذکر کرده‌اند، به همین تعریف برمی‌گردد؛ برخی گفته‌اند اجماع، اتفاقی است که امام(ع) از جمله آنها باشد^۲ یا اتفاق کسانی که قولشان در فتاوی شرعی معتبر است^۳ یا اینکه اجماع عبارت است از هماهنگی تعداد زیادی از اهل نظر و فتوا در حکم، به اندازه‌ای که موجب احراز حکم شرعی شود.^۴

غزالی از علمای بزرگ عامه در تعریف اجماع می‌نویسد: اجماع عبارت است از «اتفاق امت محمد(ص) بر امری از امور دینی» و توضیح می‌دهد که منظور از امت، مجتهد صاحب فتوی است و اتفاق همه مردم حتی عوام و یا علمای سایر رشته‌های علمی منظور نیست.^۵ به عبارت دیگر در نظر غزالی اتفاق کسانی که در مسائل دینی صاحب نظر هستند برای تحقق اجماع لازم است و نظرات آنها که در این رشته تخصصی ندارند یا اصلاً بی‌اطلاعت نمی‌توانند در تحقق و عدم تحقق اجماع مؤثر باشد، البته مواردی در شرع وجود دارد که عملی مورد اجماع همه مردم از عامی تا عالم است مانند اجماع بر جزئیات اعمال حج و عمره که به طور تفصیل مستند به هیچ آیه و حدیثی نیست ولی مورد اجماع و اتفاق و عمل همه مسلمانان بوده

^۱ میرزای قمی، قوانین الأصول، چاپ دوم، (تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۷۸ق)، صص ۳۴۸ و ۳۴۹.

^۲ محقق حلی، معارج الأصول، چاپ اول، (قم، موسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۳ق)، ص ۱۷۴.

^۳ حسن بن زین الدین، معالم الدین و ملاذ المجتهدین، چاپ نهم، (قم، دفتر انتشارات اسلامی) وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا)، ص ۱۷۲.

^۴ سید محمدباقر صدر، قواعد کلی استنباط، (مترجم: رضا اسلامی) چاپ چهارم، (قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش)، ج ۲،

ص ۳۵۲.

^۵ محمد بن محمد غزالی، المستصفی من علم الأصول، (بیروت، دارالفکر، بی‌تا)، ج ۲، ص ۲۱۱.

و هست صرف نظر از اینکه این گونه موارد را می توان مستند به تقریر و رفتار پیغمبر اسلام دانست.^۱

عناصر این تعریف بدین شرح است:

۱. اتفاق؛

۲. اتفاق صاحب نظران مسائل دینی یعنی علمای دین و فقهاء؛

۳. اتفاق فقهای اسلامی نه مذاهب دیگر؛

۴. اتفاق بر مسأله ای از مسائل دینی نه بر مسائل دیگر؛

۱-۱-۲-۱- وجوه تمایز تعاریف اصطلاحی اجماع

با دقت در تعاریف اجماع از منظر خاصه و عامه روشن می شود که:

۱. بنا به عقیده شیعه اجماع بدان جهت «حجت» است که کاشف از رأی معصوم بوده و فقط در این صورت حجت است. پس حجیت اجماع در این مذهب به واسطه خود آن نیست بلکه به واسطه رضای پیغمبر(ص) یا امام(ع) است که اتفاق علما حاکی و کاشف از آن است. در حالی که به اعتقاد عامه حجیت اجماع به واسطه خود آن است و بدین جهت «حجت» است.

۲. در مشرب علمای عامه اتفاق همه فقها و مجتهدین لازم است تا اجتماعی به وجود آید، حال آنکه در طریقه شیعه اتفاق کل لازم نیست به خصوص اگر مخالف شناخته شده و به اصطلاح معلوم النسب باشد، چون معلوم است که او معصوم نیست و مخالفتش مضر نمی باشد.

بدین ترتیب می توان گفت بین اجماع شیعه و سنی عموم و خصوص مطلق است یعنی هر جا اجماع به عقیده سنیان حاصل شود اجماع شیعه هم حاصل شده ولی ممکن است بعضی موارد باشد که شیعه آن را اجماع بداند و سنیان ندانند چنانکه در مخالفت شخص معروف و

^۱ ابوالحسن محمدی، "اجماع"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱، دوره ۱۰، تابستان ۱۳۵۱، ص ۱۴۹.